

# بررسی و مقایسه کارکرد خانواده و سیمای روانشناختی فرزندان شاهد

هادی کرامتی \*

علیرضا مرادی \*\*

منیژه کاوه \*\*\*

## چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و مقایسه کارکرد خانواده و سیمای روانشناختی فرزندان شاهد همسرانی که ازدواج مجدد کرده با فرزندان خانواده‌های شاهدی که همسران آنها ازدواج مجدد نکرده‌اند، انجام شد. گروه نمونه شامل ۳۷۳ دانش‌آموز دختر و پسر شاهد مشغول به تحصیل در دبیرستانهای شاهد بود. این گروه به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای از میان چهار استان تهران، کرمانشاه، اردبیل و چهارمحال و بختیاری انتخاب شدند و به پرسشنامه عملکرد خانواده، مهارت‌های اجتماعی و سلامت عمومی پاسخ دادند. معدل آنان نیز به عنوان دیگر ملاک عملکرد تحصیلی در نظر گرفته شد. نتایج پژوهش نشان داد که میانگین عملکرد خانواده در همسران شاهد ازدواج کرده پایین‌تر از همسران شاهد ازدواج نکرده است. یافته‌ها، حاکی از آن است که فرزندان همسران شاهد که ازدواج مجدد نکرده‌اند از نظر سلامت روانی در وضعیت بهتری قرار دارند. در ضمن براساس نتایج این پژوهش میان مهارت‌های اجتماعی فرزندان همسران شاهدی که ازدواج مجدد کرده‌اند با گروهی که ازدواج

---

\*. دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت معلم

\*\* . دکتری روانشناسی بالینی و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم

\*\*\*. دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی

مجدد نکرده‌اند از نظر آماری تفاوت وجود ندارد و فرزندان همسران شاهدهی که ازدواج مجدد کرده‌اند از نظر عملکرد تحصیلی بهتر از فرزندان همسران شاهدهی هستند که ازدواج مجدد نکرده‌اند. یافته‌های مرتبط با جنسیت در این پژوهش نشان داد که دختران خانواده‌های شاهد از نظر سلامت روانی و عملکرد تحصیلی نسبت به پسران این خانواده‌ها در وضعیت بهتری قرار دارند، اما میان مهارت‌های اجتماعی دختران شاهد با مهارت‌های اجتماعی پسران این خانواده‌ها تفاوتی مشاهده نشد.

کلید واژه: کارکرد خانواده، سلامت روانی، مهارت‌های اجتماعی، فرزندان شاهد

## مقدمه

خانواده یکی از محوری‌ترین محیط‌های تربیتی است که در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی فرد نقشی بسزا دارد. شرایط روانی خانواده مانند روابط عاطفی والدین نسبت به فرزندان، فرزندان نسبت به یکدیگر و والدین نسبت به هم در ایجاد سازگاری و سلامت روانی، رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت و موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان نقش تسهیل کننده یا بازدارنده دارد. در این سامانه تربیتی، والدین نقش اساسی و سرنوشت‌سازی در زندگی فرزندان‌شان دارند و فقدان و غیبت هر یک از آنها اثری مخرب بر فرزندان و خانواده می‌گذارد. در این زمینه، گاهی بر نقش مادر تأکید بسیار شده است، درحالی که اخیراً اهمیت نقش پدر نیز شناخته شده است.

بررسی‌های انجام شده در زمینه نقش پدر، حاکی از آن است که واکنش کودک نسبت به حضور و غیبت پدر نیز مانند واکنش او در برابر حضور و غیبت مادر است، با این تفاوت که وابستگی به پدر کندتر شکل می‌گیرد (چاک<sup>۱</sup>، ۱۹۷۶). به نظر می‌رسد که نبود یک ارتباط مهم ناشی از مرگ، هم از نظر سلامت جسمی (ویولا<sup>۲</sup>، ۱۹۶۸، ریس<sup>۳</sup> و لوتکینس<sup>۴</sup>، ۱۹۷۶) و هم از نظر سلامت روانی (پارکز<sup>۵</sup>، ۱۹۶۳) آثار منفی گسترده‌ای در پی خواهد داشت (نقل از مکوندی و همکاران، ۱۳۷۵).

آسیب‌شناسی فرضیه مادر سالاری که از گزارش مونیهان<sup>۶</sup> به دست آمده نشان می‌دهد که عدم حضور پدر (غیبت پدر) برای کودکان به ویژه برای پسران بسیار مخرب است، زیرا مفهوم آن، این است که کودکان فاقد منابع مالی، الگوی نقشی، انضباط، ساختار و راهنمایی پدر خواهند بود (بیبلارز<sup>۷</sup> و رفتری<sup>۸</sup>، ۱۹۹۴).

برخی از مطالعات نشان داده است که به طور قطع، کودکانی که در خانواده‌های تک والدی (با مادر) زندگی می‌کنند، نمرات پایین‌تری نسبت به هم‌تایان خود در خانواده‌های دو والدی، کسب می‌کنند (ماریسون<sup>۹</sup>، چرلین<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۵، ایتنوازل<sup>۱۱</sup>، الکساندر<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۵، لانگ<sup>۱۳</sup>، زاگرسکی<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۱، اگینباخ<sup>۱۵</sup>، پیریت<sup>۱۶</sup>، راتیسستین<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۱). با کنترل سن، جنس و پایه کلاس، دانش‌آموزان دبیرستانی که در خانواده‌های تک والدی زندگی می‌کردند نمراتشان در حدود ۱/۳ انحراف استاندارد در آزمونهای ریاضیات و علوم پایین‌تر از دانش‌آموزانی بود که در خانواده‌های دو والدی زندگی می‌کردند (پانگ<sup>۱۸</sup>، دونکرس<sup>۱۹</sup>، همپون<sup>۲۰</sup>، تامپسون<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۲)، اگر چه کودکانی که دارای پدرخوانده بودند، نمراتشان بالاتر از دیگر بچه‌های خانواده‌های تک والدی بود، در حالی که نمرات آنها نیز بیش از ۱/۴ انحراف استاندارد پایین‌تر از نمرات کودکانی بود که با دو والد زندگی می‌کردند (به نقل از تامپسون، هانسون، مکلاهان<sup>۲۲</sup>، ۱۹۹۴).

همچنین تحقیقات نشان داده است کودکانی که با پدر و مادر واقعی خود زندگی می‌کنند، نمرات بالاتری در خودپنداره تحصیلی دریافت می‌کنند (اسمیت<sup>۲۳</sup>، ۱۹۹۰ به نقل از سیگل - رشتون<sup>۲۴</sup> و مکلاهان). در مجموع، کودکانی که از پدر واقعی خود جدا می‌شوند، عملکرد بدتری در مدرسه دارند، نمرات پایین‌تری می‌گیرند و اعتماد به نفس تحصیلی پایین‌تری نسبت به کودکانی که با پدر و مادر واقعی زندگی می‌کنند، دارند. حتی اگر این شرایط کوتاه مدت باشد، باز هم ممکن است پیامد طولانی مدت داشته باشد، و در تحولات مهم آموزشی وقفه ایجاد کند (سیگل - رشتون و مکلاهان، ۲۰۰۲).

در بروز کشمکشهای خانوادگی و همچنین مشکلات رفتاری کودکان، ازدواج مجدد موضوع بااهمیتی است که مطالعه آن ضرورت دارد. پژوهشهایی که در زمینه تأثیر ازدواج مجدد بر کودکان و نوجوانان انجام شده، نشان دهنده نتایج متناقضی است. به نظر می‌رسد این تناقض به عوامل گوناگون بستگی دارد. از جمله این عوامل سن و شخصیت کودک و نوجوان، نگرش او نسبت به ازدواج مجدد، نگرش مادر نسبت به این امر، کیفیت رفتار جانشین پدر با کودک و رابطه میان کودک و پدر، کودک و مادر، مادر و پدر است.

هترینگتون (۱۹۸۹) طی تحقیقاتی به این نتیجه رسیده است که بیشتر کودکان، تشکیل دوباره خانواده و به صحنه آمدن جانشین پدر را امری استرس‌زا می‌دانند و عده‌ای از آنها چندان واکنشی نسبت به آن نشان نمی‌دهند. در حالی که عده‌ای دیگر دچار مشکلات رفتاری متوسط یا شدید می‌شوند و اگر در سنین نوجوانی باشند، ممکن است با مادر خود پرخاشگری و ناسازگاری کنند.

درسالهای اخیر، اکثر نظریه‌پردازان از این دیدگاه که، خانواده‌های تک سرپرستی یا خانواده‌هایی که در آنها مادر ازدواج مجدد کرده است، را غیرعادی و آسیب‌زا تلقی کنند، فاصله گرفته و توجه خود را به عوامل تسهیل‌کننده سازگاری کودک در این خانواده‌ها معطوف داشته‌اند (هترینگتون، ۱۹۸۹؛ نقل از تمدنی، ۱۳۷۴).

در برخی از مطالعات، تفاوت‌های جنسی فرزندان در رویارویی با مسئله ازدواج مجدد والدین بررسی شده است. سانتروک<sup>۲۵</sup>، وارشالز<sup>۲۶</sup> لینویرگ<sup>۲۷</sup> و مدوز<sup>۲۸</sup> (۱۹۸۲) تعامل میان والد - فرزند و والد - فرزند خوانده را در خانواده‌های هسته‌ای<sup>۲۹</sup>، دارای پدرخوانده<sup>۳۰</sup> و مطلقه بدون پدر<sup>۳۱</sup> بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که پسران در مقایسه با دختران روابط نزدیکتر و بهتری با ناپدری خود دارند و دخترانی که دارای ناپدری هستند نسبت به دخترانی که در خانواده‌های هسته‌ای زندگی می‌کنند، مضطرب‌ترند (نقل از هوبار<sup>۳۲</sup>، ۱۹۸۸).

تلیسالو<sup>۳۳</sup> و آرو<sup>۳۴</sup> (۲۰۰۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که ازدواج مجدد پدر (ولی نه مادر) در آمادگی ابتلا به افسردگی فرزندان در سالهای بعد تأثیر دارد. دخترانی که پدرشان ازدواج مجدد نکرده بودند و پسروانی که پدرشان ازدواج مجدد کرده بودند، افسرده‌تر از دیگران هستند.

همچنین مطرح شده است که مسائل طولانی مدت پسران و دختران متفاوت است، دختران مشکلات بیشتری در برابر ازدواج مجدد والد سرپرستشان دارند. دختران ممکن است پس از ورود پدرخوانده به خانواده صمیمیت و حمایت مادرشان را از دست بدهند و در خانواده‌های ناتنی (ازدواج مجدد) حداکثر تا دو سال پس از ازدواج مجدد رفتار ستیزنده و مخربی نسبت به والدینشان دارند. با این حال ممکن است در طولانی مدت، حضور پدرخوانده برای پسران مفید باشد (نقل از بیبارز، ۲۰۰۰).

آهرونز<sup>۳۵</sup> و میلر<sup>۳۶</sup> (۱۹۹۳) در پژوهش خود به این نکته دست یافتند که ازدواج مجدد پدر غیرسرپرست تأثیری بر ارتباط او با فرزندانش ندارد. اما فورهند<sup>۳۷</sup> و توماس<sup>۳۸</sup> (۱۹۹۳) بر اهمیت نقش پدر غیرسرپرست در سازگاری نوجوان پس از طلاق تأکید کرده‌اند.

براساس آنچه آمد، فقدان پدر در زندگی فرزندان بسیار اثرگذار است و طبق پژوهشهای پیشین یافته‌های متناقضی درباره تأثیر ازدواج مجدد بر فرزندان وجود دارد. با توجه به بررسیهای انجام شده، هدف اصلی این پژوهش مقایسه عملکرد خانواده و سیمای روانشناختی فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده است. همچنین تفاوت میان دختران و پسران را در

تأثیرپذیری از خانواده‌ها بررسی می‌کند. با توجه به هدفهای ذکر شده پرسشهای پژوهش عبارتند از:

۱. آیا میان عملکرد خانواده‌های همسران شاهد ازدواج کرده و همسران شاهد ازدواج نکرده تفاوت وجود دارد؟
۲. آیا میان سلامت روانی، مهارتهای اجتماعی و عملکرد تحصیلی فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده تفاوت وجود دارد؟
۳. آیا از نظر تأثیرپذیری فرزندان از خانواده‌ها (خانواده‌های همسران ازدواج کرده و ازدواج نکرده) میان دختران و پسران تفاوت وجود دارد؟

## روش‌شناسی

جامعه آماری در این پژوهش شامل همه خانواده‌های همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده و فرزندان مشغول به تحصیل دبیرستانی آنها در سال ۸۳-۸۲ در سراسر کشور است.

گروه نمونه: ۳۷۶ دانش‌آموز دختر و پسر شاهد مشغول به تحصیل در دبیرستانهای شاهد از میان جامعه آماری مورد نظر به روش تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. نخست کل کشور به سه منطقه شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم شد. سپس چهار استان کرمانشاه، تهران، اردبیل و چهار محال و بختیاری به عنوان نمونه پژوهش، انتخاب شدند. در استانهای تهران و کرمانشاه از میان مدارس شاهد، چند مدرسه تصادفی انتخاب شدند اما در کرمانشاه و چهارمحال و بختیاری به دلیل محدود بودن، تمام دانش‌آموزان شاهد برای پژوهش انتخاب شدند.

روش اجرا: این پژوهش به صورت گروهی اجرا شد. پیش از تکمیل کردن پرسشنامه‌ها توضیحات لازم درباره شیوه پاسخ دادن، اهمیت پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات به آزمودنیها داده شد. درضمن، معدل ترم تحصیلی گذشته آزمودنیها در حکم معیاری برای سنجش عملکرد تحصیلی گردآوری شد. از تعداد ۳۷۶ پرسشنامه‌ای که در اختیار آزمودنیها گذاشته شده بود، سه پرسشنامه به دلیل کامل نبودن به عنوان افت آزمودنیها در نظر گرفته شد. منظور پژوهشگر از سیمای روانشناختی، دو متغیر مهارتهای اجتماعی و سلامت روانی دانش‌آموزان شاهد است.

ابزار: عملکرد خانواده یعنی توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل کردن تضادها و تعارضها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی،

رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد، با هدف حفاظت از کل نظام خانواده، (پورتش و هاوول<sup>۳۹</sup>، ۱۹۹۲، نقل از اژدری<sup>۱۳۷۳</sup>). به منظور بررسی و مقایسه عملکرد خانواده از مقیاس سنجش عملکرد خانواده<sup>۴۰</sup> استفاده شد. مجموع مواد این آزمون چهل و پنج ماده است که بیست مورد آن مربوط به «نقشها»، هفده مورد آن مربوط به «حل مشکل» و هشت مورد آن مربوط به «ابزار عواطف» است. روایی این آزمون را نجاریان (۱۳۷۴) ۰/۹۲، ملانقی (۱۳۷۷) ۰/۸۹، امینی (۱۳۷۸) ۰/۹۲ برآورده کرده‌اند. در این پژوهش برای به دست آوردن پایایی آزمون عملکرد خانواده، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و پایایی ۰/۹۴ به دست آمد.

مفهوم سلامت روانی در واقع جنبه‌ای از مفهوم کلی سلامت است، کارشناسان بهداشت جهانی سلامت فکر و روان را این گونه تعریف می‌کنند: سلامت فکر عبارت است از قابلیت موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل کردن تضادها و تمایلات شخصی به گونه‌ای منطقی، عادلانه و مناسب به منظور بررسی سلامت روانی گروه نمونه از پرسشنامه سلامت عمومی<sup>۴۱</sup> استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲۸ سؤال است و براساس تحلیل عاملی با توجه به فرم کامل آن یعنی نسخه شصت سؤالی ساخته شده و دارای چهار مقیاس هفت سؤالی است: ۱. نشانه‌های جسمانی<sup>۴۲</sup> ۲. اضطراب<sup>۴۳</sup> ۳. اختلال در کارکرد اجتماعی<sup>۴۴</sup> ۴. افسردگی<sup>۴۵</sup>. همبستگی میان داده‌های حاصل از اجرای دو پرسشنامه GHQ-28 و SCL-90 یعنی روایی همگرایی<sup>۴۶</sup> این آزمون ۰/۸۷ گزارش شده است (بایوردی به نقل از هومن، ۱۳۷۶). در این پژوهش برای به دست آوردن پایایی آزمون سلامت عمومی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و پایایی ۰/۹۰ به دست آمد.

منظور از مهارتهای اجتماعی میزان موفقیت یک شخص در برقراری ارتباط با دیگران است، به گونه‌ای که حقوق و نیازها و تعهدات قابل قبول آن شخص تأمین شود و به حقوق دیگران آسیب وارد نشود. این مهارت بر اساس میزان توانایی فرد در رویارویی با موفقیت‌های اجتماعی تعریف می‌شود (به نقل از یوسفی و خیر، ۱۳۸۱).

همچنین برای ارزیابی مهارتهای اجتماعی از مقیاس مهارتهای اجتماعی متسون<sup>۴۷</sup> استفاده شد. این مقیاس دارای ۶۲ سؤال است. برای تعیین روایی سازه مقیاس مهارتهای اجتماعی متسون، روش آماری تحلیل عوامل به کار گرفته شده است. تحلیل عوامل ابتدا با شیوه مؤلفه‌های اصلی صورت گرفته و مقدار ضریب kmo برابر با ۰/۸۶ به دست آمده است که بیانگر کفایت نمونه آزمودنیها به منظور تحلیل کردن عوامل است. همچنین مقدار آزمون کرویت بارتلت برابر ۱۰۴۳۳/۲۹۸ در سطح P ۰/۰۰۰۱ معنادار بوده است. سپس با توجه به نمودار اسکیری و با استفاده

از روش پژوهش واریماکس پنج عامل به دست آمده است (یوسفی و خیر، ۱۳۸۱). ضریب پایایی به دست آمده در این پژوهش برای مقیاس مهارت‌های اجتماعی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ است.

متغیر دیگر این پژوهش عملکرد تحصیلی است، عملکرد تحصیلی مقدار یادگیری آموزشی آموزشی فرد به صورتی است که آزمونهای متفاوت دروسی مثل ریاضی و غیره آن را می‌سنجد (سیف، ۱۳۷۵) در این پژوهش از معدل تحصیلی به عنوان ملاک عملکرد تحصیلی استفاده شد.

## روشهای آماری

روشهای آماری این پژوهش شامل محاسبه فراوانیها و درصدها، میانگینها و انحراف معیارهای متغیرها است. همچنین برای تحلیل و استنباط داده‌ها از روش آماری آزمون t برای دو نمونه مستقل و تحلیل عاملی استفاده شده است.

## یافته‌ها

بنابر نتایج به دست آمده از این پژوهش، ۴۰/۷۵ درصد از همسران شاهد ازدواج مجدد کرده و ۵۹/۲۵ درصد آنها پس از شهادت همسر خویش ازدواج نکرده‌اند. ۴۷/۴۵ درصد فرزندان شاهد نمونه را دختران و ۵۲/۵۴ درصد آن را پسران تشکیل داده‌اند. این نسبت با جامعه نیز همخوانی دارد، زیرا نسبت فرزندان شاهد پسر در جامعه آماری پژوهش نیز از دختران بیشتر است.

جدول ۱: فراوانی و درصد جنسیت فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده

تعداد کل	جنسیت		وضعیت تأهل فعلی مادر		
	پسر	دختر			
	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۵۲	۷۳	۴۷/۳۷	۷۹	۴۴/۶۳	ازدواج کرده
۲۲۱	۱۲۳	۵۵/۶۲	۹۸	۴۴/۳۶	ازدواج نکرده
۳۷۳	۱۹۶	۱۰۰/۱۰۰	۱۷۷	۱۰۰/۱۰۰	جمع کل

همان‌طور که در جدول شماره (۱) نشان داده شد، در حدود ۵۵ درصد دختران و ۶۳ درصد پسران اظهار داشته‌اند که مادرانشان پس از شهادت پدر ازدواج نکرده‌اند.

گروهها	شاخصهای آماری					
	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t به دست آمده	درجه آزادی	سطح معناداری
ازدواج کرده	۱۵۲	۱۱۷/۶۹	۲۱/۲۹	۲/۸۴	۳۷۱	۰/۰۰۵
ازدواج نکرده	۲۲۱	۱۲۳/۹۷	۲۰/۶۷			

جدول ۲: مقایسه تفاوت میانگین عملکرد خانواده در دو گروه همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده براساس اطلاعات جدول شماره (۲) چون t به دست آمده با درجه آزادی ۳۷۱ معادل ۲/۸۴ در سطح  $\alpha = 0/05$  از t جدول معادل ۱/۹۶ بزرگتر است با ۹۵ درصد اطمینان مشخص شد که میان عملکرد خانواده همسران شاهد ازدواج کرده و همسران شاهد ازدواج نکرده تفاوت معنادار آماری وجود دارد و میانگین عملکرد خانواده همسران شاهد ازدواج کرده پایین‌تر از همسران شاهد ازدواج نکرده است.

جدول ۳: مقایسه تفاوت میانگین سلامت روانی فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده

گروهها	شاخصهای آماری					
	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t به دست آمده	درجه آزادی	سطح معناداری
ازدواج کرده	۱۵۲	۲۹/۶۶	۱۷/۵۶	۳/۵۶	۳۷۱	۰/۰۰۰۱
ازدواج نکرده	۲۲۱	۲۳/۵۲	۱۴/۴۵			

براساس اطلاعات جدول شماره (۳) چون t محاسبه شده با درجه آزادی ۳۷۱ معادل ۳/۵۶ در سطح  $\alpha = 0/05$  از t جدول معادل ۱/۹۶ بزرگتر است با ۹۵ درصد اطمینان، مشخص شد که میان سلامت روانی فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده تفاوت معنادار آماری وجود دارد. با توجه به میانگین دو گروه مذکور و در نظر گرفتن اینکه در پرسشنامه سلامت عمومی نمره



پایین تر نشانگر سلامت روانی بیشتر است، مشخص شد که فرزندان همسران شاهد ازدواج نکرده از نظر سلامت روانی در وضعیت بهتری قرار دارند.

جدول ۴: مقایسه تفاوت میانگین مهارت اجتماعی فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده

گروهها	شاخصهای آماری	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t به دست آمده	درجه آزادی	سطح معناداری
ازدواج کرده		۱۵۲	۱۶۹/۵۰	۲۳/۸۲	۰/۲۷	۳۷۱	۰/۷۸۷
ازدواج نکرده		۲۲۱	۱۷۰/۱۹	۲۴/۳۰			

براساس اطلاعات جدول (۴)، چون t محاسبه شده از t جدول معادل ۱/۹۶ در سطح  $\alpha = ۰/۰۵$  کوچکتر است، با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه حاصل شد که میان مهارتهای اجتماعی فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده تفاوت معنادار آماری وجود ندارد.

جدول ۵: مقایسه تفاوت میانگین عملکرد تحصیلی فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده

گروهها	شاخصهای آماری	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t به دست آمده	درجه آزادی
ازدواج کرده		۱۵۲	۱۵/۰۸	۲/۶۴	۲/۵۳	۳۷۱
ازدواج نکرده		۲۲۱	۱۴/۴۰	۲/۴۶		

براساس اطلاعات جدول (۵) چون t محاسبه شده از t جدول معادل ۱/۹۶ در سطح  $\alpha = ۰/۰۵$  بزرگتر است، با ۹۵ درصد اطمینان مشخص شد که میان عملکرد تحصیلی فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

در جداول ۶، ۷ و ۸ تفاوت میان دختران و پسران شاهد از نظر تأثیرپذیری از خانواده‌ها در جنبه‌های سلامت روانی، مهارتهای اجتماعی و عملکرد تحصیلی بررسی می‌شود.

جدول ۶: مقایسه تفاوت میانگین سلامت روانی در دو گروه دختران و پسران شاهد

شاخصهای آماری	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t به دست آمده	درجه آزادی	سطح معناداری
دختر	۱۷۷	۲۳/۵۲	۱۵/۴۳	۳/۰۱	۳۷۱	۰/۰۰۳
پسر	۱۹۶	۲۸/۴۶	۱۶/۲۹			

براساس اطلاعات مندرج در جدول (۶)، چون t محاسبه شده در سطح  $\alpha = 0/05$  از t جدول معادل ۱/۹۶ بزرگتر است، با ۹۵ درصد اطمینان مشخص شد که میان سلامت روانی دختران و پسران شاهد تفاوت معنادار آماری وجود دارد و دختران شاهد از نظر سلامت روانی نسبت به پسران در وضعیت بهتری قرار دارند.

در این پژوهش، برای مقایسه دقیق تفاوتها از تحلیل واریانس نیز استفاده شد. جدول زیر نتایج این مقایسه را نشان می‌دهد.

جدول ۷: خلاصه تحلیل واریانس برای سلامت روانی

منابع متغیر	df	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
ازدواج (A)	۱	۳۷۲۱/۱۵۷	۳۷۲۱/۱۵۷	۱۵/۷۲۷	۰/۰۰۰
جنس (B)	۱	۳۷۲۱/۰۳۸	۳۷۲۱/۰۳۸	۱۵/۷۲۶	۰/۰۰۰
تعامل (AB)	۱	۲۳۳۶/۶۶۴	۲۳۳۶/۶۶۴	۹/۸۷۵	۰/۰۰۲
خطا	۳۶۹	۸۷۳۱۱/۵۵۲	۲۳۶/۶۱۷		
مجموع	۳۷۳	۳۴۸۴۹۳/۰۰۰			

برای مقایسه جداگانه دختران و پسران شاهد در خانواده‌های همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده و بررسی اثر تعاملی جنسیت و نوع خانواده در سلامت روانی، از آزمون واریانس دوعاملی استفاده شده و F به دست آمده در سطح  $\alpha = 0/05$  برای متغیر A یعنی نوع خانواده با درجه آزادی یک برابر ۱۵/۷۲ از F جدول معادل ۳/۸۶ بزرگتر است. همچنین F به دست آمده برای متغیر B یعنی جنسیت معادل ۱۵/۷۲ از F جدول معادل ۳/۸۶ نیز بزرگتر است و F تعامل با درجه آزادی یک معادل ۹/۸۷ از F جدول معادل ۳/۸۶ نیز بزرگتر است و نتایج حاکی از آن است که میان تأثیرپذیری فرزندان دختر و پسر در بعد سلامت روانی از خانواده‌های همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده به طور جداگانه تفاوت وجود دارد و در ضمن تعامل میان این دو متغیر نیز معنادار است.

جدول ۸: مقایسه تفاوت میانگین مهارت‌های اجتماعی در دو گروه دختران و پسران شاهد

شاخصهای آماری	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t به دست آمده	درجه آزادی	سطح معناداری	گروهها
دختر	۱۷۷	۱۷۲/۰۷	۲۲/۷۷	۱/۶۲	۳۷۱	۰/۱۰۴	
پسر	۱۹۶	۱۶۸/۰۴	۲۵/۰۳				

بر اساس جدول (۸) چون  $t$  محاسبه شده در سطح  $\alpha = 0/05$  از  $t$  جدول معادل  $1/96$  کوچکتر است، با ۹۵ درصد اطمینان مشخص شد که میان مهارت‌های اجتماعی دختران و پسران شاهد تفاوت معنادار آماری وجود ندارد.

در این پژوهش، برای بررسی دقیق تفاوتها از تحلیل واریانس نیز استفاده شد که جدول زیر نتایج این بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۹: خلاصه تحلیل واریانس برای مهارت‌های اجتماعی

منابع متغیر	df	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
ازدواج (A)	۱	۹۱/۳۸۶	۹۱/۳۸۶	۰/۱۵۸	۰/۶۹۲
جنس (B)	۱	۱۶۶۸/۹۳۲	۱۶۶۸/۹۳۲	۲/۸۷۹	۰/۰۹۱
تعامل (AB)	۱	۱/۳۵۳	۱/۳۵۳	۰/۰۰۲	۰/۹۶۱
خطا	۳۶۹	۲۱۳۸۸۵/۱۲۱	۵۷۹/۶۳۴		
مجموع	۳۷۳	۱۰۹۸۳۴۳۹/۰۰۰			

برای مقایسه جداگانه دختران و پسران شاهد در خانواده‌های همسران ازدواج کرده و ازدواج نکرده و بررسی اثرات تعاملی جنسیت و نوع خانواده در مهارت‌های اجتماعی از آزمون تحلیل واریانس دو عاملی استفاده شد.  $F$  به دست آمده در سطح  $\alpha = 0/05$  برای متغیر A یعنی نوع خانواده با درجه آزادی یک برابر  $0/5$  از  $F$  جدول معادل  $3/86$  کوچکتر است. همچنین  $F$  به دست آمده برای متغیر B یعنی جنسیت با درجه آزادی یک معادل  $2/87$  از  $F$  جدول معادل  $3/86$  کوچکتر است.  $F$  تعامل نیز با درجه آزادی یک معادل  $0/002$  از  $F$  جدول معادل  $3/86$  کوچکتر است. نتایج حاکی از آن است که میان تأثیرپذیری فرزندان دختر و پسر در بعد مهارت‌های اجتماعی از خانواده‌های همسران ازدواج کرده و ازدواج نکرده هم به طور جداگانه و هم تعاملی تفاوت وجود ندارد.

جدول ۱۰: مقایسه تفاوت میانگین عملکرد تحصیلی در دو گروه دختران و پسران شاهد

گروهها	شاخصهای آماری				
	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t به دست آمده	درجه آزادی
دختر	۱۷۷	۱۵/۹۴	۲/۴۱	۱۰/۱۶۹	۳۷۱
پسر	۱۹۶	۱۳/۵۴	۲/۱۵		

براساس جدول (۱۰) چون t محاسبه شده در سطح  $\alpha = 0/05$  از t جدول معادل ۱/۹۶ بزرگتر است، با ۹۵ درصد اطمینان مشخص شد که میان عملکرد تحصیلی دختران و پسران شاهد تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

در این پژوهش، برای بررسی دقیق تفاوتها از تحلیل واریانس نیز استفاده شد. جدول زیر نتایج این بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱: خلاصه تحلیل واریانس برای عملکرد تحصیلی

منابع متغیر	df	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
ازدواج (A)	۱	۲۲/۰۷۸	۲۲/۰۷۸	۴/۲۷۱	۰/۰۳۹
جنس (B)	۱	۴۸۶/۲۰۶	۴۸۶/۲۰۶	۹۴/۰۵۱	۰/۰۰۰
تعامل (AB)	۱	۴/۴۵۰	۴/۴۵۰	۰/۸۶۱	۰/۳۵۴
خطا	۳۶۹	۱۹۰۷/۵۹۳	۵/۱۷۵		
مجموع	۳۷۳	۸۲۸۹۸/۴۹۵			

برای مقایسه جداگانه دختران و پسران شاهد در خانواده‌های همسران ازدواج کرده و ازدواج نکرده به طور جداگانه و برای بررسی اثرات تعاملی جنسیت و نوع خانواده در عملکرد تحصیلی، از آزمون تحلیل واریانس دوعاملی استفاده شد. F به دست آمده در سطح  $\alpha = 0/05$  برای متغیر A یعنی نوع خانواده با درجه آزادی یک برابر ۴/۲۷ از F جدول معادل ۳/۸۶ بزرگتر است. همچنین F به دست آمده برای متغیر B یعنی جنسیت با درجه آزادی یک معادل ۹۴/۰۵۱ از F جدول معادل ۳/۸۶ بزرگتر است. اما F تعامل با درجه آزادی یک معادل ۰/۸۶۱ از F جدول معادل ۳/۸۶ کوچکتر است. نتایج حاکی از این است که دختران و پسران شاهد در بعد عملکرد تحصیلی با همدیگر متفاوت هستند. فرزندان خانواده‌های همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده نیز در بعد تحصیلی با همدیگر متفاوت هستند، اما میان نوع خانواده با جنسیت تعامل وجود ندارد.

## نتیجه گیری

تحلیل یافته‌ها و نتایج نشان داد که میان عملکرد خانواده‌های همسران شاهد ازدواج کرده و همسران شاهد ازدواج نکرده، تفاوت وجود دارد و میانگین عملکرد خانواده در خانواده‌های همسران شاهدی که ازدواج کرده‌اند، پایین‌تر از خانواده‌های همسران شاهدی است که پس از شهادت همسرشان ازدواج نکرده‌اند.

در پیشینه تحقیقات انجام شده در زمینه مطالعه تأثیر ازدواج مجدد، یافته‌های متناقضی وجود دارد. اما بلسکی<sup>۴۸</sup> و مینوچین<sup>۴۹</sup> اظهار کرده‌اند که رضایت زناشویی پایه‌ای استوار در عملکرد خانواده است و صلاحیت در عملکرد فرزندپروری، حل مؤثر مسائل خانوادگی و روابط خانوادگی رضایت‌بخش را پیش‌بینی می‌کند (به نقل از اژدری، ویمر<sup>۵۰</sup> و همکاران، ۱۹۸۹). هارلوک<sup>۵۱</sup> (۱۹۸۶) به دلیل آمار بالای طلاق در افرادی که ازدواج مجدد کرده‌اند عملکرد آنها را ناموفق می‌داند (به نقل از اژدری، ۱۳۷۳).

گلن<sup>۵۲</sup> و ویور<sup>۵۳</sup> (۱۹۷۷) در گزارشی درباره خوشبختی زناشویی، به این نتیجه اشاره کرده‌اند که در افرادی که ازدواج مجدد کرده‌اند احساس خوشبختی و رضایت زناشویی تا اندازه‌ای پایین‌تر از افرادی است که یک بار ازدواج کرده‌اند. این واقعیت درباره هر دو جنس صدق می‌کند (وایت<sup>۵۴</sup>، ۱۹۷۹ به نقل از سیگل - رشتون و مکلاهان، ۲۰۰۲). پینک<sup>۵۵</sup> و واملر<sup>۵۶</sup> (۱۹۸۵) در مطالعه‌ای به این نکات دست یافتند که براساس نظر مادر، پدر یا پدرخوانده و نوجوان، انسجام خانوادگی<sup>۵۷</sup> و انعطاف‌پذیری و کیفیت روابط نوجوان با پدر در خانواده‌های ناتنی پایین است و این یافته‌ها با نتایج این پژوهش همسو هستند (به نقل از سیگل - رشتون و مکلاهان، ۲۰۰۲).

به خلاف یافته‌های این پژوهش بوهانون<sup>۵۸</sup> و یاهاریس<sup>۵۹</sup> (۱۹۷۹)، دابرن<sup>۶۰</sup>، ۱۹۷۵ به این نتیجه دست یافته‌اند که تفاوتی در عملکرد خانواده میان این دو گروه وجود ندارد. در حالی که چهار مطالعه عملکرد خانواده را در خانواده‌های ناتنی ضعیف یافتند (بورمن<sup>۶۱</sup> و ایریش<sup>۶۲</sup>، ۱۹۶۲؛ گارباین<sup>۶۳</sup> سبس<sup>۶۴</sup>، اچلباخ<sup>۶۵</sup>، ۱۹۸۴؛ مسنجر<sup>۶۶</sup>، ۱۹۷۶؛ پرکینز<sup>۶۷</sup> و کاهان<sup>۶۸</sup>، ۱۹۷۹، (به نقل از تامپسون و همکاران، ۱۹۹۴).

به هر حال این مسئله باید مورد توجه قرار گیرد که فقدان پدر به خودی خود یکی از مسائلی است که سبب اختلال در عملکرد خانواده می‌شود. مورد دیگری که ممکن است گاهی برااسترس‌زا بودن این مسئله بیفزاید، ازدواج مجدد مادر است که برای سازگاری با آن به زمان بیشتری نیاز

است. با وجود این، متغیرهای تعدیل کننده و مداخله‌گر دیگری مانند کیفیت رفتار و شخصیت ناپدری، نوع رابطه او با همسر و فرزندان همسر، سن کودک هنگام ازدواج مجدد، نگرش کودک، مادر و خانواده شهید نسبت به ازدواج مجدد را باید در نظر گرفت.

دیگر یافته‌ای که درباره سلامت روانی به دست آمد، این بود که میان سلامت روانی فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده تفاوت وجود دارد و سلامت روانی فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده پایین‌تر است. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات لانگ نو و میکائیل (۱۹۶۳) همسان است. آنان گزارش کرده‌اند ازدواج مجدد والدین پس از مرگ و جدایی خطر بروز بیماریهای روانی را در کودکان افزایش می‌دهد. بر اساس گزارش رنه<sup>۶۹</sup> (۱۹۷۱) از پژوهشی که درباره افراد مبتلا به افسردگی، ناتوانی مزمن و سلامتی کامل انجام داد، شدت بیماری که ازدواج مجدد کرده‌اند بیش از افرادی است که برای نخستین بار ازدواج کرده‌اند و شدت آن در مردان بیش از زنان است. در توجیه تفاوت به دست آمده، شاید بتوان گفت که با توجه به اینکه نگرش کودک و نوجوان نسبت به پدر خویش، به عنوان شهید، نگرشی مطلوب است، پذیرش فردی جدید به عنوان پدر ممکن است برای او استرس‌زا باشد.

براساس یافته‌ها، میان مهارت‌های اجتماعی فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده و ازدواج نکرده تفاوتی وجود ندارد. این خلاف نتایج تحقیق شین (۱۹۷۸) است که ذکر کرده داشتن جانشین پدر، برای کودک و به ویژه پسران بسیار مفید است و پسری که با مادرش زندگی می‌کند در صورت ازدواج مجدد مادر، رفتار آرام‌تر، توانایی اجتماعی بیشتر و مسائلی کمتر خواهد داشت (اژدری، ۱۳۷۳). فرستین برگ و چرلین (۱۹۹۱) به این نتیجه دست یافتند که در خانواده‌های تک والدی و خانواده‌های دارای ناپدری، در اجتماعی بودن کودک مشکل وجود دارد. شاید دلیل بی‌توجهی این باشد که ازدواج مجدد بر مهارت‌های اجتماعی فرزندان اثری ندارد و ممکن است این مهارت‌ها سنین حساسی برای شکل‌گیری داشته باشند و نسبت به دو متغیر ذکر شده پیشین یعنی سلامت روانی و عملکرد خانواده پایدارتر باشند.

عملکرد تحصیلی فرزندان همسران شاهد ازدواج کرده بهتر از عملکرد تحصیلی فرزندان همسران شاهدی است که ازدواج نکرده‌اند. بر اساس گزارش‌های پانگ، دونکرس، همپون و تامپسون (۲۰۰۲) پیشرفت تحصیلی در کودکان خانواده‌های تک والدی کم و در خانواده‌هایی که دارای پدرخوانده بودند، بیش از خانواده‌های تک والدی است و در میان کودکانی که با پدر و مادر

واقعی خود زندگی می‌کردند از هر دو گروه پیشین بهتر بوده است و این یافته‌ها همسو با نتایج این پژوهش است.

در تأیید نتایج پژوهشهای مذکور باید گفت که چاپمن<sup>۷۰</sup> (۱۹۷۷) کاپلان<sup>۷۱</sup> (۱۹۷۹) اوشمان<sup>۷۲</sup> و مانویتز<sup>۷۳</sup> (۱۹۷۶) و سانتراک<sup>۷۴</sup> (۱۹۷۲) نیز در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند: کودکانی که در خانواده‌های ناتنی (ازدواج مجدد) زندگی می‌کنند نسبت به کودکانی که در خانواده‌های تک‌والدی زندگی می‌کنند از جنبه‌هایی مانند رفتار تحصیلی، پیشرفت، رشد اجتماعی و شخصیت، بهترند (به نقل از تامپسون و همکاران، ۱۹۹۴).

یافته‌های این پژوهش به خلاف یافته‌های پژوهش اژدری (۱۳۷۳) است که نشان داد فرزندان شاهدهی که مادرانشان پس از شهادت پدر ازدواج کرده‌اند در مقایسه با دانش‌آموزان شاهدهی که مادرانشان ازدواج نکرده‌اند، از نظر تحصیلی در سطح پایین‌تری هستند. در توجیه فرضیه بالا می‌توان گفت که تفاوت یافته شده در پیشرفت تحصیلی میان دو گروه مذکور ناشی از این است که پدرخوانده تا حدودی امنیت اقتصادی خانواده را تأمین می‌کند و به این ترتیب فرزندان فرصت بیشتر برای پرداختن به امور تحصیلی دارند.

همچنین در این پژوهش فرض بر این بود که از نظر تأثیرپذیری فرزندان از خانواده‌ها در بعد سلامت روانی میان پسران و دختران تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر، فرزندان دختر خانواده‌های شاهد از نظر سلامت روانی، وضعیت بهتری نسبت به فرزندان پسر این خانواده‌ها دارند. نتایج پژوهش با گزارش مونیهان (۱۹۶۵) که نشان داده غیبت پدر برای فرزندان، به ویژه پسران بسیار مخرب است. همسان است.

در توجیه یافته‌های به دست آمده از این پژوهش شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که چون پسران والد هم‌جنس خود را از دست می‌دهند، نسبت به دختران در موقعیت حساس‌تری قرار می‌گیرند. شهادت پدر گذشته از اینکه فرزندان را از داشتن یک منبع حمایتی مهم محروم می‌کند، پسران را نیز فاقد الگوی نقش‌پذیری می‌کند.

همچنین درباره تأثیرپذیری فرزندان از خانواده‌ها در زمینه مهارت‌های اجتماعی این نتیجه حاصل شد که میان دختران و پسران تفاوتی وجود ندارد. این نتیجه با گزارشات بیلر (۱۹۷۱) بیلر و ویز (۱۹۷۰) و هترینگتون (۱۹۷۲) همسان است. آنان به این نتیجه رسیدند که دختران حداقل به همان میزان پسران در رشد روابط با جنس مخالف و رشد اجتماعی، از غیبت پدر آسیب می‌بینند (تمدنی، ۱۳۷۴).

درباره تأثیرپذیری فرزندان از خانواده‌ها در زمینه عملکرد تحصیلی این نتیجه به دست آمد که عملکرد تحصیلی دختران از عملکرد تحصیلی پسران بهتر است. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های برخی از پژوهشهایی که در زمینه تفاوت‌های جنسی ناشی از فقدان پدر در عملکرد تحصیلی و شناختی انجام شده است، مشابهت دارد. از جمله لسینگ، زاگورین و نلسون (۱۹۷۰)، سانتروک (۱۹۷۲)، ساتن اسمیت، روزنبرگ و لاندی (۱۹۶۸) در مطالعات خود به این نکته دست یافته‌اند که محرومیت از پدر اثرات منفی بیشتر بر عملکرد شناختی پسران به جا می‌گذارد. اسمیت (۱۹۶۹)، نلسن<sup>۷۵</sup> و ماکویی<sup>۷۶</sup> (۱۹۶۶) و کالینز<sup>۷۷</sup> (۱۹۶۹)، هرزوغ<sup>۷۸</sup> (۱۹۷۳) و چاپمن (۱۹۷۷) دریافتند که غیبت پدر سبب کاهش عملکرد ریاضی به ویژه در فرزندان پسر می‌شود (تمدنی، ۱۳۷۴).

در توجیه این مسئله می‌توان به دو نکته اشاره کرد: نخست اینکه فرزندان پسر خانواده‌های شاهد که والد هم جنس خود را از دست داده‌اند، نسبت به دختران این خانواده‌ها در موقعیت حساس‌تری قرار دارند؛ دوم اینکه ممکن است عملکرد تحصیلی پایین‌تر پسران نسبت به دختران در گروه فرزندان غیرشاهد و فرزندان دارای پدر هم وجود داشته باشد؛ همچنان که در سالهای اخیر شاهدیم که تحصیل برای دختران نسبت به پسران ارزشمندتر شده است. این موضوع را می‌توان با توجه به افزایش شرکت و پذیرش دختران در کنکور دانشگاهها نیز کاملاً دریافت.

علاوه بر نکاتی که تاکنون مطرح شد، این موضوع نیز باید مورد توجه قرار گیرد که واکنش فرزندان شاهد نسبت به از دست دادن و فقدان پدر با واکنش کودکان و نوجوانی که پدر خود را بر اثر مرگ طبیعی و مواردی غیر از شهادت از دست داده‌اند، متفاوت است. وجود نگرش مثبت نسبت به شهادت و اعتقادات مذهبی سبب می‌شود که فقدان پدر برای فرزندان و از دست دادن همسر برای مادر کمتر آسیب رساننده باشد و تا حدودی موجبات تسلی خاطر آنها فراهم شود، در عین حال که کاملاً هم بدون تأثیر نخواهد بود. به هر حال براساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره فعالی برای کمک و ارائه خدمات به خانواده‌های شاهد اختصاص داده شود تا همسران شاهد در شرف ازدواج، ازدواج کرده و ازدواج نکرده و فرزندان آنان از این مراکز استفاده کنند. کاربرد دیگر پژوهش حاضر این است که خانواده‌ها به ویژه همسران شاهد را از حساسیت و تأثیرپذیری بیشتر پسرانشان نسبت به فقدان پدر و ازدواج مجدد آگاه می‌سازد و به آنها آموزشهایی می‌دهد تا بتوانند با پسرانشان به گونه‌ای رفتار کنند که فقدان پدر را کمتر احساس کنند و در صورت ازدواج مجدد در ایجاد رابطه عاطفی مناسب میان آنها و ناپدریشان بکوشند.



## منابع

اژدری، مهدی (۱۳۷۳). بررسی میزان ناسازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان شاهدی که مادرانشان ازدواج مجدد نموده‌اند در مقایسه با دانش‌آموزانی که مادرانشان ازدواج مجدد ننموده‌اند، در مقطع ابتدایی شهر مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه.

تمدنی، مجتبی (۱۳۷۴). مقایسه پیشرفت تحصیلی و سازگاری آموزشی دانش‌آموزان شاهد و واجد پدر سال سوم راهنمایی تحصیلی مدارس شاهد و غیرشاهد شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.

سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۵). روانشناسی پرورشی، تهران: انتشارات آگاه.

مکوندی، بهنام، نجاریان، بهمن، شکرکن، حسین (۱۳۷۵) مقایسه سازگاری دانش آموزان شاهد پسر با دانش‌آموزان واجد و فاقد پدر در مدارس ابتدایی شهر اهواز، پژوهش‌های روانشناختی، شماره ۱ و ۲.

هومن، عباس (۱۳۷۶). استانداردسازی و هنجاریابی پرسشنامه سلامت عمومی برای دانشجویان دوره روزانه کارشناسی تربیت معلم، موسسه تحقیقات تربیتی.

یوسفی، فریده، خیر، محمد (۱۳۸۱) بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون و مقایسه عملکرد دختران و پسران دبیرستانی در این مقیاس، مجله علوم اجتماعی و انسانی شیراز، شماره ۲.

Ahrons, R. & Miller, R., B (1993) The effects of the post-divorce relationship on paternal involvement: A longitudinal analysis, *Orthopsychiatry*, 63, 441-450.

Biblarz, T and Gottainer, G (2000). Family structure and children's success: A comparison of widowed and Divorced single-Mother Families, *Journal of Marriage & Family*, 70. 62 issue 2, p 533, 16p.

Biblarz, T. Raftery, A. D (1994) Family structure, Educational attainment, and socioeconomic success: Rethinking the pathology of matriarchy, *AJS* volume 105 number 2, 321-65.

Bowerman, C., & Irish, D (1962) some relationships of stepchildren to their parents. *Marriage & family living* 24, 113-121.

Duberman, Lucile (1975) *The reconstituted family: A study of remarried couples and their children*. Chicago: Nelson-Hall.

Forehand & Thomas, A. B (1993) The role of paternal variables in divorced and married families: predictability of adolescent adjustment or thopsychiatry 63, 126-135.

Frustenberg, E. & cherlin, A (1991) *Divide family cambrige*, M. A: Harvard university press.

Glenn, N and charles, w (1977) The marital happiness of remarried divorced persons, *Journal of marriage and the family*, 39: 331-337.

Hober, C (1988) Perception of parent-child relationships in first married and remarried families, *Family relation*, 37, 175-182.

Kaplan, L (1975). A matter of loss: living on surviving sodness, *school counselor*, 27, 229-235.

Longer, T and Michael. S (1963) *Life stress and mental health*, USA press.

Messinger, L (1976). Remarriage between divorced people with children from previous marriages. *Journal of marriage and family counseling* 2, 193-200.

Perkins. T, and James, K (1978). An emprical comparison of natural father and step father family systems family process. 18:175-183.

Renne, K (1971) Health and marital experience in an urban population, *Journal of marriage and the family* 33: 338-350.

Sigle-Rushton, W and Mclanahan, S (2002) father absence and child well-being: A critical review, center for research on child well-being.

Thompsons, E, and etal (1994) Family structure and child well being: Economic resources, parental behaviours, social forces, 73: 221-242.

زیرنویس‌ها

1. Chak
2. Wivla
3. Riss
4. Lutkins
5. Parkis
6. Moynihan
7. Biblarz

- 
8. Raftery
  9. Marison
  10. cherlin
  11. Entowisel
  12. Aleksander
  13. long
  14. Zagroski
  15. Aginbakh
  16. Perit
  17. Ratistin
  18. Pang
  19. Donkrs
  20. Hampon
  21. Tampson
  22. McInhan
  23. Smith
  24. Sigle-Rushton
  25. Santrock
  26. Warshalz
  27. Lindbergh
  28. Meadows
  29. mular
  30. step father
  31. divorced fatherless
  32. Hobart
  33. Thlisalo
  34. Aro
  35. Ahrons
  36. Miller
  37. Forehand
  38. Thomas
  39. Portes & Hawel & et al
  40. family function questionair
  41. General Health questioneir
  42. Somatic symptom
  43. Anexity
  44. Social Disfunction
  45. Depression
  46. convergent validity
  47. metson
  48. Blekcy
  49. Minuchin
  50. Vemer
  51. Harlock
  52. Glenn
  53. Weaver
  54. Whith
  55. Pink
  56. Wampler
  57. Cohesion
  58. Bohannon

59. Yahreas
60. Dunerman
61. Bowerman
62. Irish
63. Gorbarino
64. Sebes
65. Schellembach
66. Messinger
67. Perkins
68. Kahan
69. Renne
70. Chapman
71. Kaplan
72. Oshman
73. Manovesitz
74. Satrock
75. Nelson
76. Maccoby
77. Collins
78. Herzog

Archive of SID